

قرآن و ویژگی‌های جامعه اسلامی

حمید نگارش

استادیار پژوهشکده تحقیقات اسلامی



چکیده

ویژگی‌های جامعه مطلوب اسلامی از دیدگاه قرآن کدام است؟ این نوشتار می‌کوشد ضمن پاسخ به سوال مذکور، بر این نکته اصرار ورزد که مجموعه قوانین اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در جامعه اسلامی مطرح می‌شود برگرفته از تعالیم وحیانی و آسمانی است؛ نه آن که دین و قوانین آن عاملی در کنار عوامل دیگر شمرده شود. این پاسخ همچنین روشنگر نقش هدایتی دین اسلام در همه ابعاد زندگی است. افزون بر این روشنی بخش مسیر حرکت مقدس نظام و انقلاب اسلامی است.

مفاهیم کلیدی: دین اسلام، قرآن، جامعه اسلامی، جامعه.

۱. مفهوم‌شناسی

جامعه

جامعه متشکل از گروهی انسان‌ها می‌باشد که بایکدیگر حیاتی مبتنی بر پیوند و همکاری و تعاون دارند.^(۱) هم چنین گفته شده که جامعه به گروهی از افراد گفته می‌شود که هدف مشترکی داشته باشند و برای تحقق آن همکاری کنند. لازمه هدف مشترک و همکاری، برقراری روابط معین و وجود انسجام میان افراد است.

جامعه دینی - جامعه اسلامی

جامعه دینی، جامعه‌ای است که افراد و نهادهای اجتماعی آن بینش و منش یا افکار و رفتارهای خود را بر اساس معارف دینی و قوانین آن تنظیم می‌کنند و در سرزمینی زندگی می‌کنند که تحت حاکمیت آن دین باشد.^(۲) حال اگر دین مورد نظر، دین مبین اسلام باشد، این جامعه را جامعه اسلامی می‌نامند.

ویژگی‌های مطلوب در جامعه اسلامی

با توجه به آیات قرآن، می‌توان موارد زیر را در زمره مهم‌ترین ویژگی‌های مطلوب در جامعه اسلامی برشمرد:

۱. در برابر دین حق سر تسلیم فرود آوردن.
۲. ایمان، اعتماد و توکل بر خدا داشتن.
۳. برخورداری از حکومت دینی.
۴. تلاش مدیران و مسئولان برای فراهم نمودن زمینه‌های تعالی و تکامل معنوی آحاد مردم.
۵. تلاش مدیران و مسئولان در جهت رفع مشکلات محرومین و فراهم نمودن امکانات مادی در جهت تحکیم ارزش‌های الهی.
۶. جدیت و تلاش مسئولان برای بالابردن ثروت و درآمد عمومی.
۷. احساس آزادی در پرتو قوانین اسلامی.
۸. عزم و جزم آحاد ملت در جهت تسلط بر طبیعت.

۹. بالا بردن سطح علمی جامعه و برطرف نمودن جهل و حرکت در جهت تولید علم و خودباوری.

۱۰. گسترش ابزار اطلاعاتی و وسایل ارتباط جمعی.

و....

امتیازات جامعه‌شناسی قرآنی

آیات قرآنی در خصوص جوامع انسانی، در بردارنده سه نکته اساسی است:

۱. علی‌رغم اختلاف نظر و تشتت آراء جامعه‌شناسان در مورد قانون‌مندی جامعه و برخلاف افراط و تفریط‌هایی که در این باره مطرح شده است، قرآن بر قانون‌مندی جامعه و کلیت و قطعیت آن تأکید می‌ورزد.

سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^(۳) (احزاب / ۶۲)

۲. قوانین الهی، قانون طبیعی و فیزیکی نمی‌باشد و جنبه ماورای مادی دارد. بر اساس همین ویژگی سنه‌الله و کلمات الله از آن تعبیر شده است.

لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ^(۴) ... (انعام / ۳۴)

به دیگر عبارت، گرچه این سنن از مجاری طبیعی می‌گذرد ولی از قدرت الهی خارج نمی‌باشد. اصولاً قدرت خدا وقتی بخواهد شکل بگیرد از طریق قوانین طبیعت که سنه‌الله و کلمات الله است تحقق می‌پذیرد و اراده و حکمتش را نشان می‌دهد.

۳. مرکز قوانین اجتماعی اراده و انتخاب آزاد انسان است. جبر تاریخ در مورد انسان‌ها غلط است. زیرا تاریخ در رابطه با جوامع انسانی است و انسان هیچ‌گاه آزادی و انتخاب و اراده‌اش را در اختیار دیگری قرار نمی‌دهد. از این رو می‌تواند تاریخ و جامعه را از نو بسازد و از پیش خود رقم زند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ^(۵) (رعد / ۱۱)

ویژگی‌های جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن

قبل از ورود اسلام در عربستان، مردم آن سرزمین از فرهنگ و علم و تمدن بیگانه بودند. جامعه آن زمان به تعصب‌های جاهلی خود افتخار می‌نمودند. فرزندان خود را زنده به گور می‌کردند و اطفال خود را از زور فقر می‌کشتند. از ارتکاب زشت‌ترین گناهان روی گردان

نبودند. فقر و ترس و جهل و ظلمت همه جا حکمفرما بود و چیزی جز تاریکی و سیاهی به چشم نمی‌خورد. در چنین برهه حساس تاریخی بود که رسول الله ﷺ دعوت اسلام را آشکار نمود. این دعوت پر برکت به قدری امیدبخش بود که ظرف ده سال اقامت آن حضرت در جامعه مدینه آن روز قریب به اتفاق همه مردم پذیرا شدند و هنوز سی سال از رحلت آن حجت و سفیر الهی نگذشته بود که بر سراسر دنیای متمدن آن روز پرتو افکند و بسیاری از جوامع دیگر را تحت تاثیر خود قرار داد. امتیاز مهم این برنامه آسمانی که در ترویج آن سرعت بخشید، همانا جامعیت تعلیمات آن بود که توانست بر اساس پایه‌های توحیدی زنجیرهای تعصب جاهلیت را در هم نوردد. اسلام از سونئی رشته ارتباط انسان را با خدا استوار کرد. و از سویی دیگر، سعادت اجتماعی فرد را تأمین نمود. باری چه اتفاقی در سرزمین حجاز رخ داد و باعث شد زنان و مردانی سر بر آورند که پیمودن راه رستگاری را جایگزین تعصب‌های جاهلی و خرافات نمودند؟ سرزمینی که هیچ نشانی از فرهنگ نداشت؛ اهل آن به تعصب‌ها و جاهلیت‌های خرافاتی خود افتخار می‌کردند، ناگهان در آن سرزمین، حق مداری جایگزین جهل مداری شد و این حق‌طلبی و گرایش‌های متعالی و قدسی منشأ شهودهای عرفانی گردید و بر روی همه قساوت‌ها و تیرگی‌ها خط بطلان کشید! اگر نبود تأسی به آموزه‌های قرآنی، هرگز این آثار با برکت تبلور پیدا نمی‌کرد. آری مس وجود مردم صدر اسلام را کیمیای آموزه‌های قرآنی به طلای ناب مبدل کرد و باعث ظهور مردانی شد که زبانزد عام و خاص شدند. امروز نیز عمل به آموزه‌ها و معیارهای قرآنی می‌تواند بهترین سرمشق و راهکار برای شکوفایی جامعه بشری و نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد؛ شکوفایی در جهت نیل به آرمان‌های مقدس الهی و بستر سازی برای رستگاری بشریت.

۱. ایمان به خدا

واژه ایمان به معنای گرویدن، باور داشتن و در اصطلاح عام به معنای آن است که اعتقاد آدمی در دل او جای گیرد و در آن شک و تردید روان ندارد و از گذر آن به نوعی امنیت و آرامش درونی برسد. در اصطلاح دینی گرایش‌های درونی انسان را ایمان گویند که معنوی است و بر پایه اعتقاد و اندیشه استوار است. (۶)

از آیات قرآنی به دست می‌آید که اسلام می‌خواهد عقیده مشترکی میان انسان‌ها ایجاد نماید تا بتواند همه ملت‌های مختلف را جمع نماید و آنها را به هم پیوند دهد؛ عقیده مشترکی که برگرفته از فطرت انسانی بوده، با سرشت آدمی سازگار باشد.

کلام پیامبر اکرم ﷺ به مسیحیت نیز به همین نکته اشاره دارد که فرمود:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ (۷) ... (آل عمران / ۶۴)

آیه فوق یک ندای وحدت و اتحاد در برابر اهل کتاب است و به آنها می‌گوید که همه شما در اصل توحید خود را مشترک می‌دانید، بیایید دست به دست هم داده و این اصل مشترک را بدون هیچ‌گونه پیرایه‌ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابجا که نتیجه‌اش دوری از توحید است خودداری نماییم. (۸) هم چنین از تاریخ استفاده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ به هنگامی که اسلام در سرزمین حجاز به اندازه کافی نفوذ کرد، نامه‌های متعددی برای زمامداران بزرگ آن عصر فرستاد و در قسمتی از نامه‌های خود روی آیه فوق، با محتوای دعوت به توحید تکیه کرد. (۹)

این ویژگی قرآنی در خصوص جامعه انسانی و اسلامی، دستاوردهای اجتماعی را به همراه دارد. از جمله این دستاوردها می‌توان به آرامش اجتماعی اشاره نمود. ایمان مایه پای‌بندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و مسلمانان از تعدی به حقوق یکدیگر می‌پرهیزند. بدین سان جامعه اسلامی پیوسته در آرامش و آسایش است. مؤمن در رفتار، کردار و گفتار خویش می‌کوشد تا به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند. هم چنین ایمان به خداوند منشأ برکات الهی و آسمانی می‌گردد. قرآن آشکارا می‌فرماید اگر مردم ایمان آورند و پرهیزکاری کنند برکات آسمان و زمین بر آنان گشوده خواهد شد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۱۰) ... (اعراف / ۹۶)

بعضی از مفسران ذیل آیه مذکور بر این نکته اشاره کرده‌اند که مراد از برکات آسمانی، برکات معنوی و منظور از برکات زمینی، برکات مادی می‌باشد. به هر حال ایمان به خداوند و تقوی سبب نزول برکات الهی در جوامع بشری می‌گردد افزون بر این سبب می‌شود که آنچه در اختیار انسان قرار گرفته، در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود. امروز دیده

می‌شود که قسمت زیادی از نیروهای انسانی و منابع اقتصادی در مسیر نابودی جوامع بشری به کار می‌رود. این مطلب مؤید آن است که عدم ایمان و اعتقاد صحیح و عدم پای بندی به آن، این مشکلات و خسارت‌ها را به همراه داشته است.

از دستاوردهای دیگر اجتماعی ایمان، می‌توان به همدردی و همیاری اشاره نمود. مؤمنان واقعی به یاری یکدیگر می‌شتابند و به آنچه در جامعه می‌گذرد حساسیت نشان می‌دهند. چنانچه در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که پرداختن به امور مسلمانان شرط مسلمانی است.^(۱۱)

۲. برخورداری از روح اخوت و برادری

جامعه زنده در سایه همفکری و هماهنگی و صمیمیت به وجود می‌آید و می‌تواند سعادت و پیشرفت خود را تضمین نماید. اسلام برای به وجود آمدن چنین جامعه‌ای ضمن اعراض از امتیازات نژادی، زبانی، منطقه‌ای و مانند آن در پی نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر برآمد. اخوت اسلامی بهترین واژه‌ای است که این وحدت و هماهنگی همه جانبه را نشان می‌دهد. جامعه قرآنی، جامعه برابری و برادری است. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از ورود به مدینه و ساختن مسجد دست به یک ابتکار عالی زد و آن پی ریزی اخوت اسلامی بود تا وحدت و صمیمیت بیش از پیش در اجتماع مسلمانان به وجود آید. قرآن می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ (حجرات / ۱۰)

روی این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر قبیله و از هر نژاد و دارای هر زبان هر سن و سالی با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند. در مراسم حج که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می‌شوند این علاقه و پیوند و هم بستگی نزدیک کاملاً محسوس است و صحنه‌ای از تحقق عینی اخوت اسلامی هویدا می‌شود. اسلام تمام مسلمانان را به حکم یک خانواده می‌داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر^(۱۲).

اخوت اسلامی حقیقتی است که تحقق آن باعث آثار با برکتی خواهد بود. مؤمنان در یک جامعه دینی برادر یکدیگرند و به یکدیگر ظلم نمی‌کنند و همدیگر را فریب نمی‌دهند و هیچ گاه خلف و عده نمی‌کنند. همواره آنچه را که برای خود می‌خواهند برای هم‌نوع خود نیز می‌خواهند. در پرتو اخوت اسلامی است که دشمنی‌ها و کدورت‌های جوامع اصلاح

گردیده و به برادری و دوستی می‌انجامد. گروندگان راه آن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیک می‌دانند که اجتماع زنده صدر اسلام در سایه همفکری و وحدت بدون توجه به نژاد و زبان، رنگ و... شکل گرفت. آن پیامبر رحمت و منادی وحدت هنگامی که آوای توحید را به گوش جان مسلمانان صدر اسلام رساند، عصبیت‌های جاهلی، فخر فروشی، قوم‌گرایی و افتخار به عشیره و نام و نسب به کناری رفتند و نور عبودیت و وحدت، جامعه اسلامی را فراگرفت. باری قرآن پیوند عاطفی جامعه بشری را اخوت و برادری تعبیر کرده است. اگر پیوندهای بشری را مورد دقت قرار دهیم هیچ پیوندی نزدیک‌تر از پیوند برادری نیست. جالب است که قرآن مجید بسیاری از پیامبران را همچون صالح، شعیب، هود، نوح و لوط را در آیات مختلف به عنوان برادر امت ذکر نموده است:

وَإِلَىٰ نَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا (اعراف / ۷۳)

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا (اعراف / ۸۵)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ (شعراء / ۱۲۴)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ مُرْغٌ أَلَا تَتَّقُونَ (شعراء / ۱۰۶)

این پیوند برادری به قدری مهم است که در قرآن یکی از نعمت‌های الهی شمرده است.

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا (۱۳)

آری قرآن با اصل ابتکاری ایجاد اخوت دینی با برپائی خالصانه عبادت‌های جمعی، بنیاد کنگره عظیم حج را که با شرکت میلیون‌ها انسان از نژادها و جنسیت‌ها و نقاط مختلف با لباس و هدف و حقوق برابر و با گفتار و شعار مشترک برگزار می‌گردد، جامعه آینده آل و نمونه خود قرار داد، جامعه‌ای عاری از تبعیضات نژادی و فاصله‌های طبقاتی.

۳. حاکمیت ارزش‌های اخلاقی

از عوامل مهمی که ملت‌ها و جوامع را به نابودی کشانده است، طغیان غرائز حیوانی و کنار گذاشتن ارزش‌های اخلاقی است. در نظرگاه قرآن سقوط و نابودی قوم لوط به جهت طغیان غرائز بود:

وَ اَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا نَسَاءً مَطَرُ الْمُنذَرِينَ (۱۴) (شعراء / ۱۷۳)

قرآن ریشهٔ پلیدیها و رذائل نفسانی را طغیان دانسته است. حقیقت طغیان خروج از اعتدال و افراط و تفریط در غرائز و روحيات آدمی است. طبیعی است که نفس آدمی دارای غریزه جنسی، علاقه به مال و ثروت، خودخواهی، حب جاه و مانند آن است. مثل این غرائز و تمایلات نسبت به نفس، مثل مواد مختلف شیمیائی برای بدن است که مقدار لازم و متعادل آن برای صحت بدن ضرورت دارد و امراض گوناگون از به هم خوردن تعادل آن عناصر تولید می‌شود. هوی و هوس جز سرکشی و طغیان این تمایلات چیز دیگری نمی‌باشد؛ و مهار کردن و محدود نمودن آن سبب رستگاری آدمی است:

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (نازعات / ۴۰)

در نظرگاه قرآن، آدمی بر فطرت و سرشت الهی آفریده شده به این معنی که تمایلات او را به گونه‌ای قرار داده است که تعادل‌پذیر باشد و این تعادل در اختیار آدمی است، ولی به شرطی که وی بخواهد و در صدد باشد تعادل نفس را حفظ نماید. اما اگر نفس را به حال خود بگذارد به مانند آتش خواهد بود که خرمن هستی را آتش می‌زند. علاج قطعی این طغیان تقوی است. و می‌توان تقوی را راه مقابله با طغیان غرائز آدمی دانست.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۱۶) (نبأ / ۳۱)

برنامه اصلاحی قرآن جنبه فردی تنها ندارد، بلکه اصلاح اجتماع را نیز در بر می‌گیرد. اصلاح اجتماع متوقف بر اصلاح افراد است، البته نه به این معنی که در اصلاح اجتماع باید به انتظار پاک شدن همه افراد نشست؛ بلکه در اصلاحات اجتماعی باید بیش از هر چیز اصلاح نفوس و تقوای افراد را و جهت همت قرار داد. در این رابطه نقش بی‌بدیل مسئولیت همگانی امر به معروف و نهی از منکر، ستودنی است.

مرحوم استاد مطهری در خصوص این وظیفه مهم اجتماعی می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر که ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی است برای افراد نسبت به سرنوشت اجتماع، اولین و بزرگ‌ترین اتهام غربی‌ها را دربارهٔ اسلام رد می‌کند که می‌گفتند و هنوز هم می‌گویند که اسلام یک دین قضا و قدری است و تربیت اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمان هیچ‌گونه تعهدی را نپذیرد و مسئولیت را از خود سلب کند! اسلام گذشته از این که صریحاً اختیار و آزادی بشر و مسئولیت او

را در برابر سعادت و شقاوت خودش می‌پذیرد و او را موجودی متعهد معرفی می‌کند و گذشته از منزه دانستن اسلام، خداوند را از شرکت در مسئولیت و این که نفوذ مثبت و اراده‌ی خداوندی و عمومیت قضا و قدری او به شکلی نیست که از بشر سلب مسئولیت کند و یا خداوند را شریک در مسئولیت قرار دهد، مسئله‌ای دارد به نام امر به معروف که یکی از ابواب فقه اسلام است. طبق این مسئله و این اصل نه تنها هر فردی از نظر شخص خودش و نفس خودش متعهد است، مسئول است، از نظر اجتماعش و در برابر اجتماعش مسئول است. (۱۷)

امر به معروف و نهی از منکر یکی از شیوه‌های اصلاحی است:

حُدِّ الْعَفْوُ وَ أَمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ^(۱۸) (اعراف/ ۱۹۹)

شیوه دیگر قرآن در جهت اصلاح افراد و حاکمیت ارزش‌ها در جوامع بشری، تذکر و یادآوری آثار سوء و تبعات رذائل اخلاقی است. ذکر و بیان قصص و حکایات امت‌هایی که در اثر سوء رفتار گرفتار عذاب شدند، در همین راستا معنی و تفسیر می‌گردد. به بعضی از این آیات اشاره می‌شود:

فَمَا تَقْضِيهِمْ مِثْقَالَ حَبِّ خَلْتُمْ وَمَا جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً و^(۱۹) ... (مائده/ ۱۳)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ^(۲۰) (یوسف / ۱۱۱)

فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ^(۲۱) (نحل / ۳۶)

باری در دهه‌های اخیر، فناوری نوین کوشیده است فرهنگ و اخلاق غربی را که بر طغیان گری آدمی، بیشتر دامن می‌زند بر جوامع بشری تحمیل کند. آزادی بی حد و حصر در بهره‌برداری از ابزار ماشینی، خشکاندن روحیه قناعت و رزی و پرهیز از اسراف و تبذیر، ارائه کالاهای رنگارنگ جهت رشد دادن روحیه مصرفی و مدگرایی و... چنان اندیشه انسان را مفتون و مسحور خویش نموده که از اندیشه در مسائل بنیادی بازمانده است. راه برون رفت از این معضل، در پرتو بازگشت انسان و جوامع بشری به دامن دین و پیوند او با آموزه‌های دین به دست خواهد آمد. در جامعه اسلامی و جامعه قرآنی، ارزش‌های اخلاقی، کنترل‌کننده‌ی غرائز نفوس انسان می‌باشد. نگاهبان جامعه و افراد اجتماع می‌باشد. این ارزش‌ها هستند که جوامع را به خودشناسی، خداشناسی و مانند آن تعلیم داده، بر

اعراض از مادی‌گری، خودخواهی، نفس‌پرستی و مانند آن اصرار می‌ورزند.

۴. تدبیر معیشت و رعایت اقتصاد

در جامعه اسلامی باید اقتصاد شکوفا باشد و افراد اجتماع قدرت داشته باشند که زندگی خود را تأمین نمایند. باید چرخ اقتصاد در جامعه اسلامی همواره به کار باشد؛ چرا که اگر امنیت مالی جامعه به خطر افتد، جامعه از پیشرفت واقعی به دور خواهد ماند. به همین جهت است که در نظرگاه قرآن تدبیر معیشت و اقتصاد یک اصل است:

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود/۶۱)

در ذیل این آیه شریفه مفسرین آورده‌اند که قرآن نمی‌فرماید که خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت، بلکه می‌گوید عمران و آبادی زمین را به شما تفویض کرد و اشاره به این دارد که وسائل از هر نظر آماده است و شما باید با کار و کوشش زمین را آباد کنید و منابع آن را به دست آورید و بدون کار و کوشش سهمی ندارید. (۲۳) قرآن جوامعی را که اقتصاد شکوفا دارند تمجید می‌کند.

لَقَدْ كَانَ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عِن يَمِينٍ وَ شِجَارٍ كَلُوبًا مِّن رِّزْقٍ رَّبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ (سبأ/۱۵)

آیات و احادیث زیادی مبنی بر مذمت ثروت و ثروتمند بودن وجود دارد اما دقت در این گونه احادیث و آیات نشان می‌دهد که هدف دستورات دینی جلوگیری از انحراف افراد از خط مستقیم الهی است. هر آنچه که انسان را به خود مشغول نماید و مانع وصال بندگان به مقام قرب الهی شود در اسلام مذموم است. فقر و ثروت هم اگر مانع قرار گرفتن مسلمین در مسیر الهی باشد مذموم است. فقر از آن جهت که انسان را گرفتار و مشغول رفع احتیاجات ضروری و اولیه می‌نماید و نیز او را ضربه‌پذیر، سلطه‌پذیر و آماده انحراف می‌نماید شدیداً نفی شده. ثروت نیز از آن جهت که اغواکننده است و ثروتمند در معرض غرور می‌باشد و احتمال طغیان او در برابر خداوند وجود دارد مذمت شده است. لذا به نظر می‌رسد انذارهای مکرر آیات و احادیث از ثروت اشاره به این امر دارد و شاید به این دلیل است که خداوند در آیات متعددی به انسان خطاب می‌کند که از نعمات الهی استفاده نماید و در عین حال شاکر نعمات الهی باشد تا خالق اصلی خدا را فراموش نکند. به چند نمونه از

این آیات اشاره می‌شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^(۲۵)
(بقره/۱۷۲)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالاً طَيِّباً وَلا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ
مُبِينٌ^(۲۶) (بقره/۱۶۸)

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالاً طَيِّباً وَاشْكُرُوا لِنِعْمَتِ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^(۲۷) (نحل/۱۱۴)

۵. گسترش علم و دانش

پهنه جهان اسلام از مشرق در منطقه چین تا منتهی الیه مغرب صدر اسلام گسترش داشت. این گسترده‌گی در شمال، خط مستقیمی بود که از شمال چین به سواحل شمالی بحر قزوین (دریای خزر) وصل می‌شد؛ و تا ارتفاعات پیرنه در جنوب فرانسه ادامه پیدا می‌کرد و در جنوب، خطی بود که از مجمع‌الجزایر موجود در آسیای جنوب شرقی به منتهی الیه جنوب شبه جزیره هند امتداد می‌یافت. با انتشار اسلام در این گستره عظیم که در برگیرنده اقوام و زبان‌های گوناگون بود الفت و وحدت در میان مردمی حاکم شد که تا پیش از ظهور اسلام محدوده جغرافیائی آنان صحنه نبردها و جدال‌های بی حاصل بود. این پدیده یعنی برقراری ارتباط بین اسلام و فرهنگ و تمدن‌های پیشین زمینه تضارب آراء و انکار را فراهم ساخت. در این دوره تلاش گسترده‌ای صورت گرفت تا تمدن اسلام بر علوم و فنون پیشینیان دست یابد. آنچه سبب شد تا تمدن اسلامی شکل گیرد صرفاً اسلام بود و اثر اساسی دین اسلام در این فرایند انکارناپذیر است؛ زیرا اگر سرزمین‌های فتح شده به دست مسلمانان، دارای این توانایی یعنی پرورش استعداد‌های درخشانی چون ابوعلی سینا، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، محمد بن موسی خوارزمی بودند چرا در دوران پیش از اسلام چنین نوابغی ظهور نمی‌کردند؟ بنابراین اسلام عاملی شد تا زمینه شکوفائی تمدن اسلامی فراهم گردد.^(۲۸) آری مردمی که قرآن بر آنها نازل گردید، مردمی امی بودند که پیش از آن در حدی نبودند که دارای فرهنگ و تمدن خاصی باشند؛ همین مردم در روی آوردن به دانش‌های گوناگون و رشد و گسترش آن، چنان از قرآن بهره بردند که هیچ ملتی از هیچ کتابی، چنین استفاده‌ای نکرده است. بنابراین می‌توانیم بگوییم چه در

علمی که به زندگی انسان مربوط می‌شود (علوم انسانی) و چه علمی که بشر در زندگی خود به آن نیاز دارد (علوم تجربی) هیچ کتابی را نمی‌یابیم که بیش از قرآن اثر گذاشته باشد و پس از این نیز اثر بگذارد. قرآن بود که مردم را به خواندن و نوشتن که کلید فهم علوم است توصیه نمود و رمز آشنایی با علوم دیگر را در اختیار بشر قرار داد. نگاهی اجمالی به کثرت استعمال مشتقات کلماتی مانند فقه، علم، تدبیر، تفکر در قرآن کریم که به دانایی و خردورزی اشاره دارند، گویای اهمیت علم در نگرش قرآنی است. به عنوان مثال قرآن مکرر انسان‌ها را به تعقل و تفکر در نموده‌های جهان هستی فراخوانده و آنان را به تدبیر و تأمل در اسرار آیات و جلوه‌های آن توجه داده است. خدای تعالی آن گاه که در آفرینش آسمان‌ها و زمین، گردش شب و روز، بارش باران، رویش زمین، وزش باده‌ها، تسخیر شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان و پیدایش دیگر پدیده‌ها سخن می‌گوید از نشانه‌هایی در این ابداع یاد می‌کند و درک و فهم آنها را مختص خردمندان و اندیشمندان و دانشوران می‌داند. این بیان مدلل می‌دارد که شناخت کامل واقعیات هستی جز در پرتو عقل، فکر و علم امکان‌پذیر نخواهد بود. آیه ذیل مبین این مطلب است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (بقره/ ۱۶۴)

باری این روش حکیمانه اسلام است در ارزش نهادن به خرد و دانش و اندیشه آدمی که دانش پژوهانی نام آور در عرصه هستی برانگیخت و آب حیات دانش و حکمت را در کام تشنه طالبان معرفت ریخت و آنچنان جامعه بویا و هدف دار را در جهان آن روز بنیان نهاد که دانشمندان مغرب زمین را به شگفتی واداشت. بی تردید نقش کتاب آسمانی قرآن و آموزه‌های متعالی آن در تحول علمی آن روز اسلام بی‌یدیل است. افزودن بر این همه، کار بزرگ قرآن، جهت دادن به علم و اندیشه و علوم در راستای تعالی انسان‌ها و تکامل آنها بود. این نگرش قدسی سبب گردید همه علوم در راستای پیشرفت و تقرب انسان‌ها به مبدء هستی قرار گیرد. با این نگرش، جامعه اسلامی نباید عباری از پیشرفت، خردورزی، اندیشیدن، تولید علم، خودشناسی، خداشناسی و خودباوری باشد؛ هم‌چنان که صدر

اسلام این گونه بود، الان نیز باید این گونه باشد.

۶. برخورداری از حکومت اسلامی

تاریخ بشریت شاهد خوبی بر این مدعاست که تمام جوامع بشری از نوعی حکومت برخوردار بوده‌اند. نیاز به قانون، نظم، رفع حواجیح یکدیگر و مانند آن ضرورت حکومت را در بین جوامع نمایان کرده است. این حکومت‌ها نوعاً به دنبال رفع نیازهای مادی مردم بوده و فراتر از این مقصدی را جستجو نکرده‌اند. با آمدن وجود مقدس انبیاء عموماً و پیامبر اکرم ﷺ خصوصاً اهداف دیگری در تشکیل حکومت‌ها رقم خورد؛ چراکه هدایت و تعالی مردم نیز در دستور کار حکومت‌های دینی و الهی قرار گرفت. در مورد حکومت‌های الهی و دینی در قرآن بحث‌های فراوانی دیده می‌شود. در مورد حضرت داود می‌فرماید:

و آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَهُ مَا يَشَاءُ^(۳۰) (بقره/۲۵۱)

و درباره سلیمان از زبان خودش می‌فرماید:

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ^(۳۱) (ص/۲۵۱)

به هر روی آنچه در این رابطه قابل توجه می‌باشد آن است که جوهره حکومت‌های انبیاء عموماً و حکومت پیامبر اکرم ﷺ خصوصاً توحیدی و الهی است. وقتی بپذیریم سراسر عالم آفرینش، مخلوق خداست، بدیهی است که حاکمیت مطلق بر چنین جهانی قبل از هر کس و هر چیز از آن او خواهد بود و حاکمیت‌ها باید به او منتهی شود. این دیدگاه که از توحید افعالی پروردگار سرچشمه می‌گیرد، ما را متوجه این نکته می‌کند که پیامبران الهی نیز حاکمان انتخاب شده از جانب او می‌باشند.^(۳۲) بعد از پیامبران، امامان معصوم که این حق حکومت از طرف خداوند به آنها تفویض شده است در جایگاه پیامبر اکرم ﷺ قرار می‌گیرند. در زمان غیبت ولی و سلطان عصر، نایبان عام آن حضرت، که فقهای جامع شرایط می‌باشند در اجرای سیاسات و مسائل حکومتی و سایر اموری که به عهده امام می‌باشند، جانشین آن حضرت می‌باشند.

بدیهی است با این نگاه خاص اهداف انبیا و اولیای الهی در تشکیل حکومت دینی و اسلامی فراتر از نگاه مادی می‌باشند. این فهم در خصوص اسلام که یک مکتب مادی، معنوی بوده و حتی ابعاد مادی را در پرتو آموزه‌های معنوی تفسیر می‌کند بیشتر به چشم

می خورد.

امام خمینی علیه السلام در این رابطه می فرماید:

حکومت اسلام، مثل حکومت های دیگر نمی باشد. این طور نیست که حکومت اسلام فرقی با حکومت های دیگر این باشد که این عادل است و آنها غیر عادل. نه فرق ها در میان است.... بالاتر از این آن چیزهایی است که انسان را رو به معنویت می برد. اسلام آمده است تا این طبیعت را به طرف روحانیت بکشد و طبیعت را مهار کند. اسلام به این نگاه می کند که بکشدش به طرف روحانیت، بکشدش به طرف توحید... از این جهت فرق است بین اسلام و غیر اسلام، بین حکومت اسلامی و حکومت های غیر اسلامی. (۳۳)

بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در فرازی دیگر می فرماید:

اساساً انبیای خدا مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان... روی رویه اسلام به همان دو معنی، به همان دو راهی است که اسلام دارد حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل و نجات دادن مظلومان، از دست ظالمان، اسلام برای این دو جهت آمده است. (۳۴)

آری انبیاء آمدند تا احیاگر عدالت اجتماعی باشند، آنها آمدند تا مردم را به سوی خداوند دعوت کنند. این نگاه، نسبت به حکومت دینی و الهی مبین آن است که برگزیدگان الهی، اصلاح فکری و اصلاح اندیشه جوامع بشری را مقدم بر آبادسازی شهرها، روابط اجتماعی و تغییر نظام های مدنی و اجتماعی می دانستند. این نگاه به جامعه انسانی می تواند منشأ تحولات عظیمی باشد. با این تفکر اصولی است که جامعه اسلامی می تواند منشأ تحولات فردی و اجتماعی شود. به همین جهت است که اسلام برای حاکمان اسلامی صفات ویژه ای ذکر می کند و همه کس را واجد این وظیفه خطیر نمی داند.

الَّذِينَ إِذَا مَكَاتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحْمَقُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ غَايِبَةُ الْأُمُورِ (حج / ۴۱) (۳۵)

۷. نوید حیات طیبه

حیات طیبه زندگی خاصی است که در پرتو پروراندن و بار آوردن میل فطری به حق در وجود آدمی تکوین پیدا کرده تا رفتارهای عقلی، عاطفی و عملی او به گونه اعمال صالحه در آید و رفتارهای متعالی از آن شکوفا گردد.

در جامعه قرآنی و اسلامی ارزش‌های اخلاقی و الهی جایگزین حالات نفسانی می‌گردد. افراد می‌کوشند با رفتارهای خسته شرایط ایده‌آلی را برای خود در صحنه زندگی ترسیم نمایند. از این رو خداوند در تعریف این اشخاص می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^(۳۶) (نحل / ۹۷)

بعضی از مفسرین در تبیین حیات طیبه گفته‌اند مراد، تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر ظلم، استکبار و طغیان و هواپرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان زندگی را تیره و تار می‌کند در امان است.^(۳۷) بدیهی است وقتی همه انسان‌ها به دنبال کسب فضائل اخلاقی بوده، می‌کوشند از هر آنچه که باعث دوری آنها از خدا می‌شود پرهیز نمایند، این حرکت آرمانی در جامعه آثار نیک و جاودانه بر جای می‌گذارد و سبب به وجود آمدن حیات طیبه می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که مفهوم وسیع حیات طیبه، مصادیق اعمال خوب را شامل و همه آلودگی‌ها و مانند آن را خارج می‌نماید. با این نگرش افراد جامعه دینی و اسلامی که می‌کوشند با تاسی به آموزه‌های دینی و قرآنی خود را به خدا نزدیک گردانند، مسلماً می‌توانند در دنیا مشمول بهره‌وری از حیات طیبه داشته باشند.

نتیجه‌گیری

در صدر اسلام جریان ژرف، پر معنا و عظیمی از فرآیند تکامل انسان‌ها در مسیر ارزش‌های معنوی و الهی شکل گرفت. جامعه‌ای که سیاهی و تاریکی در آن موج می‌زد به برکت تاسی به آموزه‌های قرآنی و هدایت‌گری‌های نبی اکرم ﷺ چهره‌ای آسمانی و الهی پیدا کرد.

عامل عمده تغییر هویت جامعه صدر اسلام چیزی جز اجرای دستورالعمل‌های قرآنی نبود. چنگ زدن به کتاب آسمانی قرآن باعث ممتاز شدن جامعه اسلامی گردید. امتیازات مهم آن جامعه اسلامی عبارت بود از ایمان به خدا، برخورداری از روح اخوت، حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و... بار دیگر بعد از قرن‌ها، انقلابی در ایران شکل گرفت که برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های خود به مانند صدر اسلام بر ایمان و اعتقاد راسخ و قلبی توده‌های مردم تکیه داشت. این انقلاب با ارائه الگویی عینی و عملی از یک نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های الهی و انسانی چون بارقه‌ای امیدبخش در ظلمتکده بی‌هویتی و لاقیدی، شیفتگان فضیلت و پارسایی را نوید آزادی و رهایی سر داد. این نهضت همان فرایندی را پیمود که همه بعثت‌ها و نهضت‌های پیامبران پیموده‌اند. مردمی که آن را بر پا کرده بودند می‌خواستند از راه بدست آوردن بینش و تربیت و تعالی پیدا کردن، تداوم بخش حرکت صدر اسلام باشند. بی‌تردید اجرای دستورات قرآنی سبب تسریع این حرکت الهی می‌شود؛ چراکه هدف نهائی انقلاب اسلامی هم سیر دادن مردم در حیات طیبه است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید:

نظام اسلامی علاوه بر این که هدف‌های مادی دارد... هم چنین اصرار دارد که روح و دل انسان از یک تَلَّو و نورانیت و برادری و فداکاری نسبت به انسان‌های دیگر و عبودیت و بندگی و اخلاص نسبت به خدای متعال برخوردار باشد. اسلام و سایر ادیان الهی این را برای مردم می‌خواهند. پس هدف، بالاتر از مادیات است. اما مادیات را هم که اسلام تأمین می‌کند برای عموم مردم تأمین می‌کند، یعنی در جامعه اسلامی همه انسان‌ها باید از رفاه و آسایش، امنیت و زندگی کافی برخوردار باشند... که نمونه آن هم صدر اسلام است و برای رسیدن به آن پیاده شدن احکام الهی و اسلامی کافی است اگر ما به احکام اسلامی عمل کنیم، اگر جامعه اسلامی ایمان اسلامی را همراه با عمل به قوانین الهی تعقیب بکند همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است یعنی چه، یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت معنوی. (۳۸)

بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام و خلف شایسته او مقام

معظم رهبری بارها بر این نکته تاکید کرده‌اند که پیروزی و استمرار آن در سایه دین و ایمان دینی شکل می‌گیرد. بکشیم با تأمل و تدبیر در آیات الهی و توصیه‌های مقام معظم رهبری عزم خود را در پیمودن این راه عظیم بیش از پیش جزم کرده زمینه ساز رستگاری بشریت در این برهه حساس باشیم.

سخن را در این مقال با بیان گرانسنگ رهبری به پایان می‌بریم:

اگر ما بخواهیم سعادت این مردم را تأمین کنیم، باید در اجرای احکام الهی کوشا باشیم. سعادت دنیا و آخرت مردم در اجرای احکام الهی و اسلامی است. این آن چیزی است که می‌تواند این کشور و این ملت را به آرمان‌های والا و برجسته خود برساند... دین برای اداره زندگی انسان است. آن کسانی که می‌خواهند صحنه اقتصاد و سیاست و فرهنگ و فعالیت اجتماعی را محل تاخت و تاز شهوات خودشان قرار دهند، معارضی که می‌بینند دین است واقعاً وقتی دین در هر میدانی حضور داشته باشد هیچ قدرتی در مقابل آن تاب مقاومت ندارد. (۳۹)

پی‌نوشت‌ها

۱. دائرةالمعارف علوم اجتماعی، دکتر ساروخانی، نشر مؤسسه کیهان، ۱۳۷۰، ص ۷۴۶.
۲. ر.ک: بررسی تطبیقی جامعه اسلامی و جامعه مدنی، محمد خطیبی، نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۴، ص ۱۵.
۳. این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ گونه تغییری نخواهی یافت.
۴. هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد.
۵. خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.
۶. فرهنگ شیعه، حمید نگارش و همکاران، نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۵، ص ۱۴۶.
۷. بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را به خدایی نپذیرد.
۸. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۰، ص ۴۵۰.
۹. همان، ص ۴۵۲.
۱۰. و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.
۱۱. فرهنگ شیعه، ص ۳۵.
۱۲. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۲.
۱۳. و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد نمود و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید خدا شما را از آن نجات داد.
۱۴. و بارانی از (سنگ) بر آنها فرستادیم. چه باران بدی بود باران اندازشدگان.
۱۵. و آن کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی باز دارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست.

۱۶. مسلماً برای پرهیزکاران نجات و پیروزی بزرگی است.
۱۷. یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، نشر صدرا، چاپ اول، آبان ۱۳۷۸، ص ۲۴۸.
۱۸. با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان.
۱۹. ولی به خاطر پیمان شکنی (بنی اسرائیل) آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمود.
۲۰. در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه هست.
۲۱. پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود.
۲۲. اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما وا گذاشت.
۲۳. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۵۱.
۲۴. برای قوم سبأ در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود دو باغ (بزرگ) از راست و چپ (به آنها گفت روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را بجا آورید شهری است پاک و پاکیزه و پروردگار آمرزنده است.
۲۵. ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید اگر او را پرستش.
۲۶. ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید چه اینکه او دشمن آشکار شماست.
۲۷. پس از آنه خدا روزیتان کرده است حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می‌پرستید.
۲۸. پویانی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت خارج، ۱۳۸۲، ص ۲۸.
۲۹. در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنیدگان را در آن گسترده و در تغییر مسیر پادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.
۳۰. خداوند حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد.
۳۱. پروردگارا مرا بیامرز و حکومتی به من، ببخش که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد که تو بسیار بخشنده‌ای.
۳۲. رک: پیام قرآن، ج ۱۰، مکارم شیرازی، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۵۴.
۳۳. صحیفه نور، ج ۷، انتشارات وزارت ارشاد، بهمن ۱۳۶۱، ص ۲۸۵.
۳۴. اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی علیه السلام، دفتر پنجم، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۷۴، ص ۴.
۳۵. همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را بر پای دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.
۳۶. هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مومن است خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند، خواهیم داد.
۳۷. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۰.
۳۸. دین و سیاست از دیدگاه مقام معظم رهبری، سلسله رهنمودهای موضوعی، دفتر پنجم، انتشارات دفاع، ۱۳۸۱، ص ۴۴.
۳۹. همان، ص ۴۸.